

آینه

لغت

متن نامه محدودیت تازه برای خاتمی منتشرشود

● ایجاد محدودیت‌های جدید برای سیدمحمد خاتمی، رئیس دولت اصلاحات، توسط غلامحسین محسنی‌اذهای تکذیب اما همین چند شب پیش عملیاتی شد. سردار حسین نجات، جانشین رئیس سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب نیز از دیگر افرادی است که ایجاد محدودیت‌های جدید را تکذیب کرده است. علی مطهری، نایب‌رئیس مجلس [در نامه‌ای نوشت: «خبراً سردار نجات، جانشین محترم رئیس سازمان اطلاعات سپاه در جمع فعالان فرهنگی گفته‌اند محدودیت‌های جدید برای آقای خاتمی که برخی مطرح کرده‌اند همان است که در سال ۸۹ تصویب شده و چیز جدیدی نیست. اولاً در وجود چنین مصوبه‌ای تردید است زیرا آنچه تاکنون بیان می‌شد مصوبه برای دو محصور مشهور است. خوب است متن مصوبه موردنظر جناب آقای نجات به اطلاع عموم برسد. همچنین لازم است متن نامه‌ای که اخیراً به رؤیت آقای خاتمی رسانده و رفته‌اند، منتشر شود تا معلوم شود آیا محدودیت جدیدی ایجاد شده یا خیر، خصوصاً که چند شب پیش مأموران مانع رفتن ایشان به جلسه‌ای شده‌اند که قبل‌ا در آن شرکت می‌کرده‌اند... رویه فعلی برخلاف اصول ۳۲ تا ۳۷ قانون اساسی است». مطهری نوشته است: «آقای نجات گفته‌اند «اگر این افراد توبه کنند و جریان فتنه را محکوم کنند، نظام آنها را سوار کشتی نجات خواهد کرد». امیدوارم ناخدای این «کشتی نجات» بر عهده خود جناب آقای «نجات» باشد چون شنیده‌ام ایشان در میان هم‌فکران خود عاقل‌تر و باتدبیرتر است... تا زمانی که یک طرف را مقرر می‌دانید و از خطاهای طرف مقابل چشم می‌پوشید این موضوع حل نخواهد شد زیرا مردم احساس عدالت و انصاف نمی‌کنند و وجدان‌شان آرام نمی‌گیرد... اساساً چه ضراری به توبه است. ممکن است کسی خطایی کرده اما معتقد باشد که خطایی نکرده است و طبعاً توبه هم نخواهد کرد. اگر آنها پس از هفت سال مجازات سنگین محصر خانگی بدون توبه آزاد شوند، چه اشکالی دارد؟»

کیم

اروپا شریک دزد است

● امیدبستن به اروپایی‌ها برای درمان‌ماندن از تهدیدات آمریکا، افتادن از چاله به چاله و به عبارتی در دام شغال‌افغان در هراس جنگ و ندان‌نشان‌دادن گرگ است. «موضع‌گیری صریح اتحادیه اروپا درباره طرح برنامه ثانویه؛ هرچه تهران بگوید، «اروپا، آمریکا نیست» و... این موضع‌گیری‌ها در کنار دیگر موارد مشابه در این روزها به تیر اول و عنوان یادداشت‌ها و گزارش‌های روزنامه‌های زنجیره‌ای مدعی اصلاحات تبدیل شده است. همان چماتی که دیروز- هم‌زمان با عهدشکنی‌های گسترده آمریکا در برجام- تأکید داشتند که «امضای کری تضمین است» و «امریکا به واسطه یک توافق اعتبار بین‌المللی خود را خدشه‌دار نمی‌کند» و «اروپایی‌ها آقا اجازه هستند و آمریکا خدداست؛ بستن با کنخدا راحت‌تر است» و «ما به مذاکره با آمریکا خوش‌بین هستیم» پس از ناکامی در خوش‌بینی به آمریکا، حالا به اروپایی آقا اجازه- به تعبیر مقامات ارشد دولت آقای روحانی- دل خوش کرده‌اند! چندی‌پیش «ریچارد هابویت» (تهیه‌کننده سند راهبردی اتحادیه اروپا درباره روابط با ایران) گفته بود: «توافق هسته‌ای (برجام) یک نقطه عطف بود؛ هرچند همه مشکلات ما با ایران درباره اسرائیل، دموکراسی و حقوق بشر حل نشده است... نیروهای در داخل ایران، در حال اعمال فشار بر حاکمیت هستند و ما امیدواریم گزارش ما نیز باعث پیشرفت در این زمینه شود». درحال‌حاضر دو گروه سهل‌اندیش و مأموریت‌دار با بازی در بازی دشمن، نقش جاده‌صاف‌کنی طرح‌های مغایر با منافع ملی را ایفا می‌کنند.

بیمه

شاید غلامی رأی اعتماد نیاورد

● بهرام پارسیایی، نماینده شیراز و سخنگوی فراکسیون امید در دوره دهم مجلس شورای اسلامی؛ بر اساس آنچه من درباره کارنامه ایشان تحقیق کردم فکر می‌کنم سابقه علمی و تجربی آقای اردکانیان برای نمایندگان قانع‌کننده باشد یعنی تصور نمی‌کنم که در این بحث و مسئله نگرانی جدی وجود داشته باشد ولی در مقابل من فکر می‌کنم آقای غلامی از چنین شرایطی برخوردار نباشد یعنی ممکن است در روند بررسی کارنامه ایشان در جلسات پارلمانی دغدغه‌هایی از جانب نمایندگان مجلس مطرح خواهد شد... در این خصوص [وزارت علوم] گزینه‌های زیادی بودند که آقای روحانی می‌توانست به آنان رجوع کند ولی نحوه انتخاب ایشان نشان داد که دولت عزم و اراده‌ای برای این مسئله ندارد. به هیچ عنوان قابل قبول نیست که بعد از ماه‌ها انتظار برای معرفی وزیر علوم بگویم که دیگران مقصر هستند که ما نمی‌توانیم گزینه مطلوبی را برای وزارت معرفی کنیم. یکی از اشکالاتی که در کشور ما وجود دارد، این است که فکر می‌کنیم وعده‌های انتخاباتی صرفاً حرف و شعار در جریان رقابت‌ها هستند. اما وعده‌های انتخاباتی به منزله تعهد بوده و باید به حرفی که زده می‌شود و یا شعاری که می‌دهیم تکیه کنیم. به هر حال دولت هرچقدر هم در محدودیت باشد، ولی اختیاراتی دارد. این درست نیست که بگویم دولت نمی‌تواند هیچ کاری انجام بدهد. بنابراین باید برای حرف و وعده و شعاری که به مردم می‌دهیم، عزم و اراده داشته باشیم و مطالبات آنان را بپذیریم.

politics@sharghdaily.ir

دیپلماسی

مروری بر فراز و فرود تاریخ روابط ایران و فرانسه

دوست قدیمی و دشمنی فراموش‌شده



عکس: پناهگاه اطلاع رسایی ریاست جمهوری

«استانдал» و «ژول ورن» جز-ء اولین ترجمه‌ها در دوره قاجاریه است. اما ادبیات تنها دریچه آغاز روابط ایران و فرانسه نبود؛ اگر شاکردان دبیرستان «رازی» و مدرسه «ژاندارک»، نخستین مدرسه اروپایی در ایران زنده باشند، خطرات زیادی از معلمان فرانسوی خود به یاد دارند. دبیرستان رازی کار خود را با نام دبیرستان فرانسوی- ایرانی رازی (Lycée franco-iranien Razi) در سال ۱۹۰۸ آغاز کرد که بعدها به مدرسه رازی تغییرنام داد. پس از انقلاب اسلامی مدتی نام این دبیرستان به «شهدا» تغییر یافت، ولی پس از چند سال نام اصلی آن به‌صورت زکریای رازی به آن برگردانده شد.

روابط تهران- پاریس هم قبل از این آغاز شده بود؛ از دوران قبل از قاجاریه، شاید دوران قرون‌وسطا؛ اما تا اوایل قرن ۱۹ در دربار ایران کمتر ایرانی‌ای زبان فرانسه بلد بود و همین باعث سوءتفاهماتی میان فرستاده ناپلئون و پادشاه قاجار شده بود. در میانه قرن ۱۹، زبان فرانسه نخستین زبان اروپایی بود که در کنشکنش میان روسیه و انگلیس جا خوشی کرده و مدرسه ژاندارک نشانی از همین تکاپوست. «اژن بُره» (۱۸۰۹- ۱۸۷۸) شرق‌شناس، باستان‌شناس و لازاریست فرانسوی، در سال ۱۸۲۷ همراه با یک هیئت کاوشگر به ایران آمد. فکر تأسیس مدرسه‌ای فرانسوی‌زبان، ذهن آنها را به خود مشغول کرد. اما قبل از دیدارشن مدرسه‌ای فرانسوی‌زبان در تهران، تبریز که از دیرباز اقلیتی از مسیحیان شهروندش بودند، صاحب چند مدرسه‌ای شد. پس از تبریز نوبت اصفهان بود که آن شهر هم شهروند مسیحی آن کم نداشت. سرانجام در سال ۱۸۶۲ مدرسه سپارانه «سن‌لویی» در تهران آغاز به کار کرد. مدیریت این مدرسه با کشیشان «لازاریست» بود. این مدرسه ویژه اقلیت‌های دینی نبود، به‌همین دلیل بسیاری از خانواده‌های اهل علم فرزندانشان را به آنجا فرستادند. نیما یوشیج و صادق هدایت هم شاگردان این مدرسه بودند. طوطی نکشید که بعد از مدرسه سن‌لویی، مدرسه دخترانه «ژاندارک» هم که خواهران روحانی «سن‌ژوزف» آن را اداره می‌کردند، در تهران آغاز به کار کرد. بعد از سالال ۱۳۵۹، مدرسه ژاندارک به سه مدرسه مجزا تبدیل شد: دبستان عدل، مدرسه راهنمایی سمیه و یک دبیرستان، مدارس فرانسوی‌زبان «آلیانس» که تحت پوشش آلیانس یهودیان فرانسه بود نیز در همین ایام در شهرهای شیراز، همدان، ارومیه و سنجند آغاز به فعالیت کردند. محمد قاضی، مترجم معروف، از شاگردان آلیانس سنجند بود.

فین‌کن‌اشتان؛ عهدنامه‌نافرجام

روز چهاردهم اردیبهشت ۱۱۸۶ شمسی، قرارداد یا عهدنامه فین‌کن‌اشستان میان ایران و فرانسه امضا شد. در سال ۱۸۰۱ میلادی بود که یک تاجر-ارمنی به نام «آسکالون» به اتفاق «رومنو»، کنسول فرانسه در بغداد، به تهران آمد و در نامه‌ای خواستار اتحاد دو کشور علیه دشمنان مشترک؛ یعنی روسیه و انگلیس شد. اما به نامه او ترتیب‌تأ داده نشد. در این زمان ناپلئون بناپارت سوار بر اسب خود در اروپا به‌سوی روسیه می‌تاخت؛ خبر فتوحات او در اروپا برتری‌اش بر روس و انگلیس و اتریش به گوش ایرانیان رسید و توجه آنها به اتحاد با فرانسه جلب شد. بر اثر اقدامات رومنو، کنسول فرانسه در بغداد، ناپلئون به اهمیت ایران- در محله به هند و قطع شریان حیاتی امپراتوری انگلستان پی برد و در سال ۱۸۰۲ به مارشال برلون، سفیر خود در دربار عثمانی، مأموریت داد با دولت ایران وارد مذاکره شود؛ تا اینکه در اکتبر ۱۸۰۳ پرنس تالیرن، وزیر امور خارجه فرانسه، به رومنو دستور داد که برای افتتاح دوستی و اتحاد با دولت ایران اقدام کند. اشغال ناگهانی شهرهای شمالی ایران در منطقه قفقاز، از سوی روسیه و بی‌اعتنایی انگلیس نسبت به ایران، «برویدانوس» معلم فرانسوی، لفظ فرنگی که برای اعطای کمک نظامی خود بر ایران قائل شد، بود. توجه ایران را بیش از پیش به گسترش روابطش با فرانسه جلب کرد. فتحعلی‌شاه به ناپلئون نامه نوشت و از اتحاد با فرانسه استقبال کرد. ناپلئون هم خواسته بود تا اتحاد ایران و فرانسه علیه روسیه حمله و کار او را یکسره کند. بعداً ناپلئون، سربازان رومنو، آجودان مخصوص خود را با نامه‌ای برای انعقاد قرارداد به ایران فرستاد. او در این نامه ضمن تمجید و تعریف از رشادت ایرانیان و انتقاد از آزمندی انگلیس تأکید کرد که ایران باید در فکر تنظیم و تجهیز ارتش خود باشد و در این زمینه امپراتور فرانسه حاضر به هرگونه مساعدت و یاری است. علایق ایرانیانی است که دیرزمانی ادبیات غربی را جز با نام فرانسه نمی‌شناختند تا زمانی که با متون ادبیات انقلابی به زبان روسی آشنا شدند.

فرانسه در ذهن ایرانیان، دولتی قدرتمند و ممانتیک بود که نویسندگانی مانند بالزاک، هوگو، «آنتوان دو سنت اگزوپری» و شاه‌دکوکولیوش را داشت. ترجمه هم در ایران با زبان فرانسه آغاز شد؛ نمایش‌نامه‌هایی از «مولیر»، «ژیل پلاس»، «الکساندر دوما»، «کنت مونت‌کریستو»، «دو جانیان»، همه دست برادری به یکدیگر خواهند داد. آن روزی است که بدبختی و تیره‌روزی در گستره جهان یافت نخواهد شد؛ «بدون دادگری هیچ‌کونه پیش‌دوری درست نیست»؛ «سنت در هنر به منزله کتاب الفبا است؛ اما جز این ارزشی ندارد»؛ این جملات اگرچه بخشی از گفته‌های «ویکتور هوگو»، «اونوره دو بالزاک» فرانسوی است؛ اما بخشی از تاریخ علایق ایرانیانی است که دیرزمانی ادبیات غربی را جز با نام فرانسه نمی‌شناختند تا زمانی که با متون ادبیات انقلابی به زبان روسی آشنا شدند.

فرانسه در ذهن ایرانیان، دولتی قدرتمند و ممانتیک بود که نویسندگانی مانند بالزاک، هوگو، «آنتوان دو سنت اگزوپری» و شاه‌دکوکولیوش را داشت. ترجمه هم در ایران با زبان فرانسه آغاز شد؛ نمایش‌نامه‌هایی از «مولیر»، «ژیل پلاس»، «الکساندر دوما»، «کنت مونت‌کریستو»، «دو جانیان»، همه دست برادری به یکدیگر خواهند داد و از اتحاد ایران و فرانسه علیه روسیه حمله و کار او را یکسره کنند. بعداً ناپلئون، سربازان رومنو، آجودان مخصوص خود را با نامه‌ای برای انعقاد قرارداد به ایران فرستاد. او در این نامه ضمن تمجید و تعریف از رشادت ایرانیان و انتقاد از آزمندی انگلیس تأکید کرد که ایران باید در فکر تنظیم و تجهیز ارتش خود باشد و در این زمینه امپراتور فرانسه حاضر به هرگونه مساعدت و یاری است. علایق ایرانیانی است که دیرزمانی ادبیات غربی را جز با نام فرانسه نمی‌شناختند تا زمانی که با متون ادبیات انقلابی به زبان روسی آشنا شدند.

این فقط شاه نبود که با دوگل همدتا‌پنداری می‌کرد؛ بختیار هم روزی که به نخست‌وزیری رسید، خود را نه با «پیر مسمر» که با دوگل مقایسه کرد. سال ۱۳۴۰ شاه و ملکه به فرانسه سفر کردند؛ آنها در ۱۸ مهرماه ۱۳۴۰ (۱۰ اکتبر ۱۹۶۱) تهران را به مقصد پاریس ترک گفتند. در راه توقفی کوتاه در تفریه داشتند. در فرانسه شاه در مراسم رسمی که بیستم مهرماه صورت گرفت، در پاسخ بیانات دوگل به این واقعیت اشاره کرد که از آغاز ایجاد روابط بین ایران و دنیای غرب کشور فرانسه همواره جایگاه ویژه‌ای در میان ایرانیان و در ذهن شاه داشته است. می‌گفت زبان فرانسه پیوسته مقام عالی و افتخارآمیزی در فرهنگ و تعلیمات مدارس ایران بازی کرده و ایرانیان با افتخارات تاریخی و نبوغ ادبی فرانسوی‌ها نیک آشنا بوده‌اند. شاه به دوران فیلیپ لوبل پادشاه فرانسه اشاره کرد که نخستین نامه‌های سلاطین ایران در قرن سیزدهم به نام وی نوشته شده است. می‌گفت ما ترجمه نخستین آثار کلاسیک خود را در اروپا مدیون هم‌وطنان شما هستیم. آموزش زبان فارسی در اروپا نخستین‌بار در اواخر قرن هجدهم در پاریس آغاز شد. می‌گفت: نخستین آثار باستانی ایران به وسیله یک هیئت فرانسوی کشف شد. در این سفر یکی از اهداف شاه در پاریس افتتاح نمایشگاه هنر و باستان‌شناسی ایران بود که به همت «آندره مالرو» برگزار شد. مالرو یکی از روشنفکران برجسته قرن ۲۰ فرانسه بود که به ایران علاقه داشت. ژنرال دوگل هم در ۲۴ مهر ۱۳۴۲ ایران آمد. آخرین سفر رئیس‌جمهوری فرانسه به ایران سال ۱۹۷۱ بود؛ دوران ریاست‌جمهوری «ژرژ مپیدو».

اسدالله علم، وزیر دربار، به شاه می‌گفت در سیاست تنها دوگل هم‌وطنان شمایم. همه می‌دانستند که دوگل چهره سیاسی- آرمانی شاه بود. کم‌وبیش در همان ماه‌ها، «نلسون راکفلر»، سیاست‌مدار آمریکایی، شاه را با اسکندر کبیر قیاس می‌کرد؛ اما می‌گفتند شاه هیچ تعریف و تمجیدی را این‌قدر دوست ندارد که او را با «شارل آندره ژوزف ماری دوگل»، اولین رئیس‌جمهوری پنجمین جمهوری فرانسه، مقایسه کنند. نه‌تنها دوگل را از شخصیت‌های برجسته قرن بیستم می‌دانست و بسیاری از سلوک سیاسی او را می‌پسندید، بلکه مسئله قد دوگل هم به او ژند شاه که همه عمر نسبت به قد بلند افراد حساس بود، جایگاه ویژه‌ای می‌بخشید. دل‌بستگی شاه به دوگل در حدی بود که به گمان برخی، فکر انجام فرزندوم برای تصویب ماده‌های شش‌گانه اول انقلاب را شاه به تقلید و تاسی از دوگل برگزیده بود. دوگل تا ۲۸ آوریل ۱۹۶۹، رئیس‌جمهوری فرانسه بود. به علاوه، فرهنگ و زبان فرانسه هم برای شاه و هم برای ملکه، مائوس و مالفو بود و این عوامل همه دست‌به‌دست هم داد تا سفر فرانسه را به تجربه‌ای خوش برای آنها بدل کند.

موضع فرانسه در گوادلوپ

خزان حکومت پهلوی فرا رسیده بود؛ شاه در پاییز پدرسالاری خود به سر می‌برد و جزم‌اندیش بود. او می‌خواست شکل مشروطه و نه روح آن را برای خود نگه دارد؛ اما روئینا دموکراسی، مشروطه‌خواهی و پایبندی به قانون اساسی، با ایجاد نظام تک‌حزبی رستاخیز در ۱۱ اسفند ۱۳۵۳ فرو ریخت. او هر روز جزم‌اندیش‌تر می‌شد تا زمانی که خواست با جرجش به سمت آزادی‌های سیاسی، کمبودها را جبران کند؛ دیگر اول شده بود و اروپا هم رنگ خطر را شنیده بود. در هفته اول ژانویه ۱۹۷۹ (پنجشنبه ۱۴ دی ۱۳۵۷)، سران چهار کشور غربی یعنی رئیس‌جمهور آمریکا (کارتز به همراه مشاور علمی ملی ایران، کشور، برژنسکی)، جیمز گالاخان (نخست‌وزیر بریتانیا) و هلموت اشمیت (صدراعظم آلمان)، به دعوت ژیسکار‌دستن، رئیس‌جمهور فرانسه، در یک گردهمایی غیررسمی در جزیره گوادولپ با هم دیدار کردند و تصمیم گرفتند که کار شاه تمام است.

شیراک خاتمی، استقبال می‌کند

روابط ایران و اروپا دهه ۶۰، به‌تبع رابطه ایران با بقیه جهان غرب، دچار رکود شدیدی شد و در مقطعی حتی به دشمنی گرایید. حمایت تسلیحاتی و سیاسی غرب از عراق در دوران دفاع مقدس و ماجرای قتل برخی از مخالفان در اروپا، بر آتش این دشمنی افزود؛ به‌طوری‌که روابط دو طرف در سال‌های پایانی دولت خمینی، به پایین‌ترین سطح خود رسیده بود؛ اما دولت اصلاحات با شعار توسعه سیاسی، آزادی‌های سیاسی- مدنی، گفت‌وگو و تعامل بدون تنش با دنیا، روی کار آمد. در این دوره روابط با کشورهای اروپایی و آسیایی در دستور کار بود. رابطه ایران و فرانسه هم از این قاعده مستثنا نبود؛ بعد از روی‌کارآمدن سیدمحمد خاتمی، در پنجم آبان ۱۳۷۸ (۲۷ اکتبر ۱۹۹۹) او به دعوت رسمی «ژاک رنه شیراک» به فرانسه سفر کرد. آن زمان رسانه‌های فرانسه به دلیل استقبال کم‌تظیر فرانسه از رئیس‌جمهوری ایران، در توصیف سفر از اصطلاح «گرم و با تشريفات کامل» استفاده کردند. برخی از رسانه‌های جناح راست فراطی فرانسه از شیراک انتقاد کردند که چرا چنین استقبال غیرمعتادری را برای رئیس‌جمهوری ایران ترتیب داده است. موقع خداحافظی، شیراک محافظه‌کار تا کنار خودروی سیدمحمد خاتمی آمد و ایستاد و دستش را بی‌اختیار به جلو حرکت داد؛ گویی می‌خواسته در ماشین را برای رئیس‌جمهوری ایران باز کند و میلیون‌ها نفر در سراسر جهان به‌طور زنده این صحنه را تماشا می‌کردند. در فرودگاه «لوئی بسون»، وزیر مشاور در امور مسکن دولت فرانسه، به استقبالش آمد و آنها با بالگرد راهی مرکز پاریس شدند. آنها به همراه یک کاروان رسمی به کاخ «مارنی»، محل اقامت شخصیت‌های برجسته خارجی دیدارکننده از فرانسه، وارد شدند.

ادامه در صفحه ۷

نگاه روز

اروپا بعد از استراتژی آمریکا در قبال ایران

● پس از سخنرانی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، بدون شک موقعیت ایران در جامعه بین‌الملل ارتقا یافته است. بسیاری از سران کشورهای اروپایی، اتحادیه اروپا، چین، روسیه و حتی کشورهای آسیایی از برجام حمایت کرده‌اند و ادامه کار توافق هسته‌ای را به‌نفع امنیت منطقه و امنیت بین‌المللی دانسته‌اند. در نقطه مقابل، صحبت‌های دونالد ترامپ با وجود تبلیغات بسیار زیادی که روی آن شد، جایگاهی در جامعه بین‌الملل پیدا نکرد. تنها رژیم صهیونیستی، عربستان و امارات از سخنان رئیس‌جمهور آمریکا حمایت کردند. یعنی اینها الان شرکای تجاری آمریکا هستند و ترامپ با سخنانش به آنها به نوعی امتیاز می‌دهد تا همچنان از آنها بهره اقتصادی ببرد. این حجم از موضع‌گیری‌هایی که علیه ترامپ به‌خاطر سخنانش علیه ایران و برجام مطرح شد، درواقع نتیجه‌ای نداشت جز انزوی رئیس‌جمهور آمریکا. نتیجه کوتاه‌مدت توافق برجام حل پرونده هسته‌ای ایران بود؛ ایران، آمریکا و اروپا با همراهی چین و روسیه می‌توانستند توافقی را امضا کنند؛ اما با آمدن ترامپ آینده این توافق به چالش کشیده شد. ترامپ از استراتژی جدید آمریکا گفت که در این استراتژی می‌خواهد نفوذ ایران را در منطقه با بدترین توافق خواندن برجام از آن ببرد. استراتژی او تقویت رقبای ایران- در مقابل ایران است که ارتباطی با توافق هسته‌ای نداشته و ندارد. او از این معبر برای تضعیف نقش ایران در خاورمیانه در کنار تضعیف برجام استفاده می‌کند. اروپایی‌ها از این بازی آمریکا خفزند نیستند؛ آنها نمی‌خواهند توافقی که خود برای امضاشدن آن تلاش کردند و عضو این توافق هستند، شکسته شود یا به‌انزوا کشیده شود؛ یا به جای تعامل، راه تقابل را پییماید. درحالی‌که هدف توافق برجام، همکاری با ایران در جامعه بین‌الملل و سرکوب تروریسم داعش و تعامل کشورها در مسائل بین‌المللی بود؛ ولی ترامپ معتقد است این توافق جز برای اروپا و ایران نفعی ندارد و اگر آمریکا از قبل برجام سودی نبرد، به آن پایبند نخواهد بود. آمریکا با عربستان سعودی و اسرائیل همکاری نزدیکی می‌کند تا بتواند برجام را کنار بگذارد و ایران را منزوی کند و عرصه را برای حضور ایران و سایر رقبای خود مانند اروپا، چین و روسیه تنگ کند. این آرایش جدید منطقه‌ای است که آمریکا آن را طراحی کرده است. اما این آرایش‌های تازه و تعاتی جدی بر ایران و کشورهای منطقه و اروپا دارد. اروپا هم متوجه این رفتار و صحنه‌آرایی جدید هست. از طرفی مدام ترامپی می‌خواهد از راه برجام، این توافق بین‌المللی را برهم بزند. او می‌گوید برجام هیچ نفعی برای آمریکا ندارد درحالی‌که این اصلا درست نیست، توافق هسته‌ای برای آمریکا هم نتیجه داشته است و برای همین می‌خواهد بازی را برهم بزند تا برای هیچ‌کس نتیجه نداشته نباشد. در روزهای آینده اروپا، به‌ویژه فرانسه، آلمان، روسیه و چین روی واکنش‌های ترامپ تأمل می‌کنند. آنها هم راهکار و راهبرد خود را تدوین می‌کنند. ایران هم این‌گونه عمل خواهد کرد. اگر قرار باشد ترامپ به فکر ایجاد مشکلاتی در خاورمیانه باشد، روسیه، چین و اروپا کشورهای قدرتمندی هستند که می‌توانند در خاورمیانه در مقابل آمریکا یارگیری کنند. برای ایران انتخاب‌های جدید برای گذشته پیش آمده است. فرانسه به تنهایی مایل نیست شاهد این بدقولی و بدعهدی از سوی آمریکا باشد و به دنبال آن نوعی بازی قدرت در خاورمیانه به نفع آمریکا و علیه دیگر متحدان آمریکا باشد. اما این فرانسه نیست که نفع خود را در ادامه برجام می‌بیند؛ دیگر کشورهای اروپایی هم چنین می‌بینند. اماونئل مکرون، آنکلا مرکل و ترزا می، در یک گردهمایی غیررسمی در جزیره گوادولپ با هم دیدار کردند و تصمیم گرفتند که کار شاه تمام است.

روابط ایران و اروپا دهه ۶۰، به‌تبع رابطه ایران با بقیه جهان غرب، دچار رکود شدیدی شد و در مقطعی حتی به دشمنی گرایید. حمایت تسلیحاتی و سیاسی غرب از عراق در دوران دفاع مقدس و ماجرای قتل برخی از مخالفان در اروپا، بر آتش این دشمنی افزود؛ به‌طوری‌که روابط دو طرف در سال‌های پایانی دولت خمینی، به پایین‌ترین سطح خود رسیده بود؛ اما دولت اصلاحات با شعار توسعه سیاسی، آزادی‌های سیاسی- مدنی، گفت‌وگو و تعامل بدون تنش با دنیا، روی کار آمد. در این دوره روابط با کشورهای اروپایی و آسیایی در دستور کار بود. رابطه ایران و فرانسه هم از این قاعده مستثنا نبود؛ بعد از روی‌کارآمدن سیدمحمد خاتمی، در پنجم آبان ۱۳۷۸ (۲۷ اکتبر ۱۹۹۹) او به دعوت رسمی «ژاک رنه شیراک» به فرانسه سفر کرد. آن زمان رسانه‌های فرانسه به دلیل استقبال کم‌تظیر فرانسه از رئیس‌جمهوری ایران، در توصیف سفر از اصطلاح «گرم و با تشريفات کامل» استفاده کردند. برخی از رسانه‌های جناح راست فراطی فرانسه از شیراک انتقاد کردند که چرا چنین استقبال غیرمعتادری را برای رئیس‌جمهوری ایران ترتیب داده است. موقع خداحافظی، شیراک محافظه‌کار تا کنار خودروی سیدمحمد خاتمی آمد و ایستاد و دستش را بی‌اختیار به جلو حرکت داد؛ گویی می‌خواسته در ماشین را برای رئیس‌جمهوری ایران باز کند و میلیون‌ها نفر در سراسر جهان به‌طور زنده این صحنه را تماشا می‌کردند. در فرودگاه «لوئی بسون»، وزیر مشاور در امور مسکن دولت فرانسه، به استقبالش آمد و آنها با بالگرد راهی مرکز پاریس شدند. آنها به همراه یک کاروان رسمی به کاخ «مارنی»، محل اقامت شخصیت‌های برجسته خارجی دیدارکننده از فرانسه، وارد شدند.

ادامه در صفحه ۷